فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، سال سی و سوم، شماره اول، بهار ۱۳۹۷، شماره پیاپی ۱۲۸

دکترروح‌اله طالبی آرانی*، استادیار، گروه سیاست جهانی و منطقه‌ای، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران
یحیی زرین نرگس، کارشناس ارشد مطالعات خاورمیانه و شمال آفریقا، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران
Dr. R.Talebi
Y. Zarrinnarges
r_talebiarani@sbu.ac.ir

بررسی چرایی ماندگاری بحران‌های ژئوپولیتیک غرب آسیا
مطالعه موردی سوریه پس از ۲۰۱۰

دریافت مقاله: ۹۶/۵/۶ پذیرش نهایی: ۹۷/۱/۹

DOI: 10.29252/geores.33.1.51

چکیده

غرب آسیا، از همان آغاز شکل‌گیری نظام دولت در این منطقه، همواره بحران‌آلودترین منطقه در ژئوپولیتیک جهانی بوده است. این وضعیت به‌ویژه در هزاره جدید میلادی در اثر دخالت‌های فرا منطقه‌ای، اشغالگری نامشروع، جنگ‌های داخلی و منطقه‌ای بیش‌ازپیش تشدید شده‌اند. در حال حاضر کشورهای این منطقه یا میدان خشونت‌بارترین منازعات نظامی هستند یا به‌طور مستقیم و غیرمستقیم در آن‌ها درگیرند. از طرفی کنشگران فرا منطقه‌ای نیز مجال مداخله در این قبیل بحران‌ها را به دست آورده‌اند. از سوی دیگر، به نظر می‌رسد شدت یابی بحران‌های غرب آسیا خصلت خودتداوم‌یابنده نیز یافته‌اند، به‌گونه‌ای که تاکنون هیچ راه‌حل عملی امیدبخشی برای حل‌وفصل آن‌ها ارائه نشده است. بارزترین جلوه تجربیِ این مدعا را می‌توان آشکارا در بحران سوریه مشاهده کرد. تحلیل‌گران، در علت‌یابی این وضعیت، همواره بر یک یا چند عامل محدود تمرکز می‌کنند و در بسیاری مواقع در دام تقلیل‌گرایی می‌افتند. در این نوشتار تلاش می‌شود با عنایت به این سؤال اصلی که «چرا بحران‌های غرب آسیا، با تأکید بر بحران سوریه از ۲۰۱۰ به بعد ماندگارند؟» از طریق تلفیق سه سطح فرو ملی، ملی و بین‌المللی، مدل نظری جامعی درزمینه تبیین این وضعیت ارائه شود و با بهره‌گیری از آن، راهکار عملی برای برون‌رفت از بحران‌های مذکور مطرح گردد. در همین راستا، با بهره‌گیری از روش تبیینی تحلیلی و توسل به داده‌های تاریخی و شواهد تجربی روز، استدلال شده است که «پایداری تعامل عوامل قوام‌بخش و مجال بخش در غرب آسیا با تأکید بر موضوع بحران دولت بین‌المللی سوریه پس از ۲۰۱۰، زمینه را برای ماندگاری بحران‌ها در این منطقه و کشور فراهم نموده است». در نتیجه‌گیری، چنین استدلال شده است که بحران‌های ژئوپولیتیک در غرب آسیا نه‌تنها ماندگاری داشته‌اند بلکه به علت انباشتگی چالش‌های فرارویشان، تسریِ فرا منطقه‌ای آن‌ها نیز دور از انتظار نیست. راه‌حل عملی برای مقابله با چنین وضعیتی همانا عادی‌سازی نظام دولت بر پایه زدودنِ چالش‌های مجال بخش و قوام‌بخش خواهد بود که طبعاً وجود دولت‌های کارآمد، مدیریت منازعات منطقه‌ای و فقدان مداخله قدرت‌های بزرگ را ضروری خواهد ساخت.

واژگان کلیدی: سوریه، غرب آسیا، ناکامیابی دولت، دولت بین‌المللی، عوامل قوام‌بخش، عوامل مجال بخش

مقدمه

هرچند سیر تطور نظام دولت از پیمان وستفالی در سال ۱۹۴۸ شروع‌شده است، ولی دولت‌ها در مناطق جغرافیایی گوناگون، طی دوره‌های تاریخی مختلف و شرایط بسیار متفاوتی شکل‌گرفته‌اند؛ اصلی‌ترین تفاوت‌ها با فروپاشی امپراتوری‌های پس از جنگ اول

[Downloaded from georesearch.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.29252/geores.33.1.51]

جهانی، استعمارزدایی پس از جنگ دوم جهانی، و سقوط کمونیسم پس از جنگ سرد رخ داد، به‌گونه‌ای که در طی صدسال اخیر هرچه بیشتر برشمار دولت‌ها افزوده شد (یزدان فام، ۱۳۹۲: ۲۷). به‌موازات شکل‌گیری دولت‌های جدید در نواحی غیر غربی، بحران‌های امنیتی و نظامی نیز به نحوی شکل گرفت که در سراسر قرن بیستم و حتی بعدازآن به‌صورت پدیده‌ای مزمن درآمده است.

در این میان، می‌توان استدلال کرد که در سال‌های دهه ۱۹۹۰ و پس‌ازآن، تحولات غرب آسیا با سرعت بیش‌تری پیش رفت. سیر حوادث در غرب آسیا تا اوایل دهه ۲۰۰۰، و درنهایت ۲۰۰۳، به‌واسطه چهار تحول شگرف منطقه‌ای و پیامدهای جهانی آن مشخص می‌شود: تجاوز عراق به کویت در دوم آگوست ۱۹۹۰؛ امضای اعلامیه اصول اسرائیل- فلسطین در ۱۳ سپتامبر ۱۹۹۳؛ حمله القاعده به ایالات‌متحده در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱؛ اشغال عراق در مارس و آوریل ۲۰۰۳ (Halliday, 2005: 130). این رویدادها غرب آسیا را به منطقه‌ای منازعه‌آلود بدل نمودند. با وقوع خیزش‌های مردمی و به موازات آن، ظهور کنش‌گران جدیدی از قبیل داعش در دهه دومِ سده‌ی بیست‌ویکم، اکنون منطقه آکنده از منازعه است، حتی در معنای «هابزی»، تلاش‌های مداوم و مکرر برای ساختن رژیم‌های امنیتی با شکست مواجه شده‌اند. نوع تَرک‌برداشته‌ای از جامعه بین‌المللی منطقه‌ای ــ با رویه‌های معمول از قبیل حاکمیت، دیپلماسی و موازنه‌ی قدرت ــ به چشم می‌خورد، اما مبتلا به ناهم‌سازی هنجاری است، مشروعیت‌اش به‌شدت موردمناقشه است، با جنگ‌های دوره‌ای، انقلاب‌ها و مداخله‌هایی روبه‌روست که به‌دنبال بازسازی یا دفاع از این نظم هستند (هالیدی و همکاران، ۱۳۹۰: ۴۱).

درنتیجه، می‌توان گفت که بحران‌های ژئوپلیتیکی در غرب آسیا، به‌ویژه در هزاره جدید میلادی تشدید گردیده است، به‌گونه‌ای که در حال حاضر کشورهای این منطقه یا میدان خشونت‌بارترین منازعات نظامی هستند یا به‌طور مستقیم و غیرمستقیم در آن‌ها درگیرند. از سوی دیگر، به نظر می‌رسد شدت یابی بحران‌های غرب آسیا خصلت خودتداوم‌یابنده نیز یافته‌اند، به‌گونه‌ای که تاکنون هیچ راه‌حل عملی امیدبخشی برای حل‌وفصل آن‌ها ارائه نشده است. بارزترین جلوه تجربیِ این مدعا را می‌توان آشکارا در بحران سوریه مشاهده کرد. در این نوشتار تلاش می‌شود از طریق تلفیق سه سطح فرو ملی، ملی و بین‌المللی، مدل نظری جامعی درزمینه تبیین این وضعیت ارائه شود و با بهره‌گیری از آن، راهکار عملی برای برون‌رفت از بحران‌های مذکور مطرح گردد.

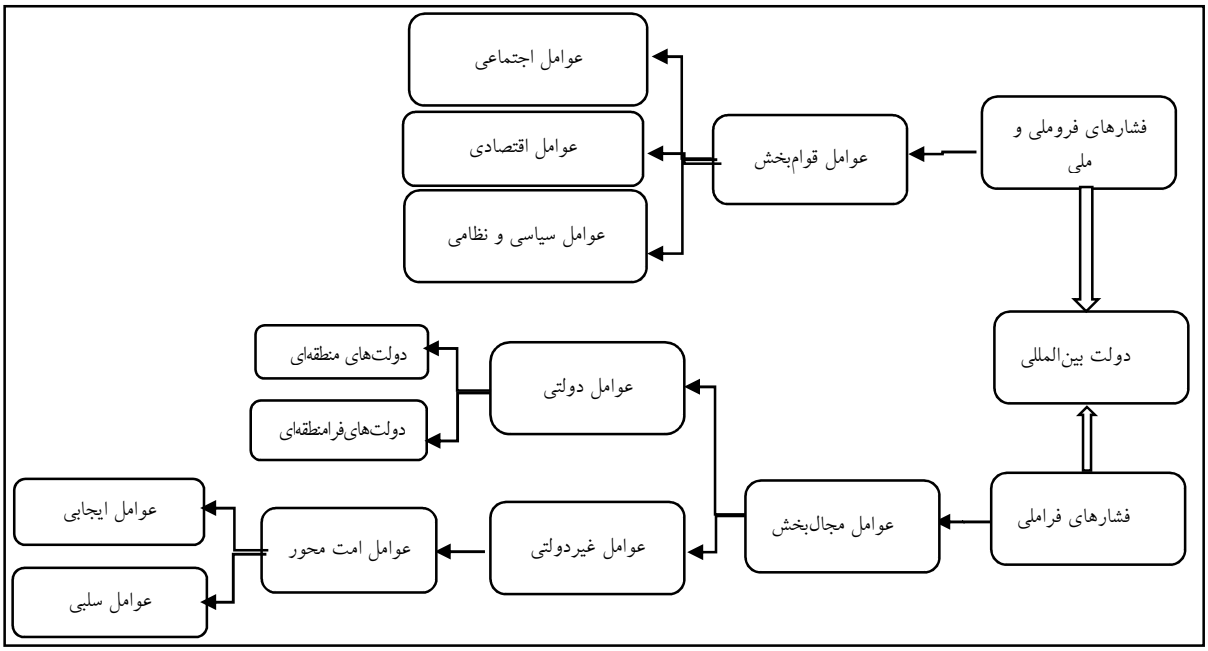
چارچوب نظری

در راستای اهداف نوشتار حاضر، دولت به‌عنوان واحد اصلی چارچوب نظری در نظر گرفته می‌شود. دولت‌ها در کاربرد مشروع خشونت سازمان‌یافته تخصص دارند. به بیان چالرز تیلی، دولت‌ها «قلدرهای حفاظت‌گرا» هستند (ونت، ۱۳۹۲: ۲۹۷). در خوانش تاریخی حدود سه ونیم قرن از عمر دولت‌های برآمده از وستفالی می‌گذرد. در این مدت، دولت‌ها در چارچوب مرزهای ملی خویش از حاکمیت و اقتدار کافی برخوردار بوده‌اند. در این شرایط دولت‌ها قادر به نظارت و کنترل شهروندان خویش بوده و توانسته‌اند قوانین موردنظر خود را وضع نمایند. با تسریع و تشدید روند جهانی‌شدن، ضمن فرسایش اقتدار دولت‌ها، نفوذپذیری مرزها و تحدید حاکمیت آن‌ها، ده‌ها بازیگر غیر حکومتی وارد عمل شده و در اقتدار دولت‌ها سهیم گردیده‌اند(قوام، ۱۳۹۰: ۵۶). اگرچه در نگاه نخست به نظر می‌رسد جهانی‌شدن در پیوند با رشد وابستگی متقابل و گسترش "مناطق صلح" قرار داشته است، ولی غرب آسیا در طی قریب به سه دهه گذشته به یک منطقه جنگ بدل شده است (Hinnebusch, 2003: 204)، چراکه قبل از تشدید روند جهانی‌شدن در اثر حاکم بودن فضای ایدئولوژیک جنگ سرد، بسیاری از دولت‌های ضعیف و آسیب‌پذیر به‌هرحال می‌توانستند مکانی برای خود در جهان بیابند. ولی در وضعیت کنونی این قبیل دولت‌ها نه‌تنها نمی‌توانند جایگاه خویش را در جهان پیدا کنند، بلکه قادر نیستند از طریق دسترسی به جهان، یکپارچگی سیاسی داخلی خود را حفظ نمایند (قوام، ۱۳۹۰: ۴۱). از منظری دیگر با نگاه به غرب آسیا، جهانی‌شدن زمینه را

[Downloaded from georesearch.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.29252/geores.33.1.51]

برای ناکامیابی دولت در منطقه فراهم آورده است. دولت ناکامیاب که امور داخلی آن به دست‌آویزی برای مداخله قدرت‌ها بدل می‌شود، به دولت بین‌المللی بدل شده که حاصل این امر به حاشیه رفتن امر ملی در این دولت‌ها است. شکل این صورت‌بندی جدید از دولت در زیر آمده است:



شکل ۱ـ چگونگی بین‌المللی شدن دولت در غرب آسیا

منبع: (طالبی آرانی، ۱۳۹۳)

بر اساس شکل ۱، دولت بین‌المللی در غرب آسیا در وضعیت بحران ژئوپلیتیکی و ناکامیابی دولت، تحت تأثیر دودسته فشارها قرار می‌گیرد؛ فشارهای فرو ملی و ملی از داخل و فشارهای فراملی از بیرون، درنهایت در برخی از کشورهای غرب آسیا شاهد شکل‌گیری دولت‌های بین‌المللی به‌عنوان برونداد این وضعیت هستیم. حال فشارهای فراملی خود به دودسته اصلی تقسیم می‌شوند؛ فشارها یا دولتی هستند یا غیردولتی. فشارهای دولتی خود به دو بخش اصلی تقسیم می‌شود؛ دولت‌های منطقه‌ای و قدرت‌های فرامنطقه‌ای. فشارهای غیردولتی نیز در قالب عوامل امت محور و دو صورت ایجابی و سلبی قابل تقسیم‌بندی هستند. فشارهای فرو ملی به سه دسته کلان تقسیم می‌شوند؛ اجتماعی، اقتصادی و سیاسی نظامی (طالبی آرانی، ۱۹:۱۳۹۳)

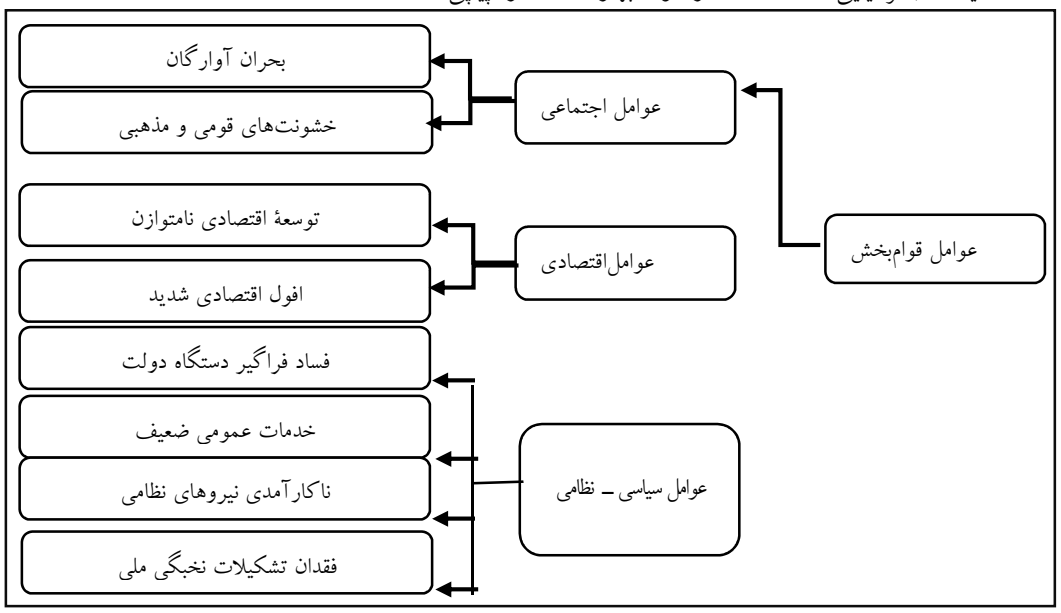
عوامل قوام‌بخش تأثیرگذار بر شکل‌گیری و ماندگاری بحران‌های ژئوپولیتیکی

این عوامل به ظرفیت‌های داخلیِ بحران‌سازی ژئوپولیتیکی و ماندگاری آن اشاره دارند. این عوامل را می‌توان در سه بعد مطرح کرد: الف- بعد اجتماعی شاملِ؛ بحران آوارگان و پناهندگان، خشونت‌های قومی‌ـمذهبی؛ ب- بعد اقتصادی شامل؛ توسعه اقتصادی نامتوازن، و افول اقتصادی شدید؛ ج- بعد سیاسیـ نظامی شامل فساد فراگیر در دستگاه دولت، روند بدتر شدن خدمات عمومی، ناکارآمدی نیروهای نظامی و انتظامی، و فقدان شکل‌گیری تشکیلات نخبگی ملی(ملهم از FFP, 2015 :18). صورت‌بندی نمودار عوامل قوام‌بخش[۲]در شکل ۲ طرح شده است.

[7] . constituting factors [2]

[Downloaded from georesearch.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.29252/georesearch.33.1.51]



شکل ۲ـ عوامل قوام‌بخش تأثیرگذار بر شکل‌گیری و ماندگاری بحران‌های ژئوپلیتیکی در مناطق غیر غربی

منبع:(طالبی آرانی، ۱۳۹۳)

عوامل مجال بخش تأثیرگذار بر شکل‌گیری و ماندگاری بحران‌های ژئوپلیتیکی

در پرتوی مفروض نظری که در بالا موردبحث قرار گرفت، دولت به‌طور عام و دولت بین‌المللی به‌طور خاص، در خلأ عمل نمی‌کند. ازاین‌رو، وقوع هر تحولی ازجمله بحران ژئوپلیتیکی در هر دولتی لاجرم از عوامل خارجی نیز تأثیر می‌پذیرد که ما در اینجا از آن‌ها با عنوان عوامل مجال بخش یاد می‌کنیم. این عوامل به مداخلات منطقه‌ای و بین‌المللی در شکل‌گیری و ماندگاری بحران‌های ژئوپلیتیکی بازمی‌گردد که در دو سطح دولتی و غیردولتی قابل دسته‌بندی هستند.

عوامل قوام‌بخشِ تأثیرگذار بر شکل‌گیری و ماندگاری بحران ژئوپلیتیکی سوریه

در این بخش با عنایت به سه شاخص اساسی یعنی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی ـ نظامی به بررسی دو سطح تحلیل درهم‌تنیده ملی و فرو ملی خواهیم پرداخت که درنهایت به معنای به حاشیه رفتن امر ملی و بی‌توجهی به شکل‌گیری عوامل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی ـ نظامی در سطح ملی در سوریه است.

الف) عوامل اجتماعی

بحران آوارگان

سوریه امروز، یکی از بحران‌های انسانی بسیار پیچیده جهان است. ۴/۸ میلیون نفر از مردم این کشور، وادار به ترک کشور خود شده و ۶/۵ میلیون نفر نیز در داخل کشور آواره شده‌اند، که این موضوع سوریه را به بزرگ‌ترین کشور آوارگان در سراسر جهان بدل نموده است. در سال ۲۰۱۶، برآوردها نشان می‌دهد که ۱۳/۵ میلیون نفر از مردم، شامل ۶ میلیون کودک، نیازمند کمک‌های بشردوستانه هستند. از این تعداد ۵/۴۷ میلیون نفر در مناطق تحت دسترسی سخت قرار دارند، که می‌توان به محاصره ۶۰۰ هزار نفر در ۱۸ منطقه تحت محاصره اشاره کرد (UNOCHA, 2016).

[Downloaded from georesearch.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.29252/geores.33.1.51]

به گزارش یکی از نهادهای بشردوستانه به نام "مرسی کورپس"، خانواده‌های سوری در داخل این کشور، در منازعه برای بقا هستند، یا خانه‌ای جدید در کشورهای همسایه ساخته‌اند. برخی نیز زندگی‌شان را در مسیر اروپا با امید به این‌که فرصتی و پذیرشی را کسب کنند، به خطر می‌اندازند. در سال ۲۰۱۲، ۱۰۰ هزار آواره وجود داشت، در آوریل ۲۰۱۳ به ۸۰۰ هزار نفر رسید و پس از ۴ ماه به ۱/۶ میلیون نفر یعنی دو برابر رسید. اکنون در سال ۲۰۱۶، بیش از ۴/۸ میلیون سوری آواره خارج از مرزهای سوریه هستند(Mercy corps, 2016).

خشونت‌های قومی و مذهبی

سوریه کشوری است درگیر خشونت‌های قومی و مذهبی، که از سال ۲۰۱۱، با بالا گرفتن این خشونت‌ها به‌ویژه با ظهور داعش در سال ۲۰۱۳، شاهد تشدید منازعه‌های قومی و مذهبی در این کشور هستیم. اعتراضات در مارس ۲۰۱۱ در شهر جنوبی درعا، به دنبال نقاشی‌های چند جوان بر دیوارهای مدارس شروع شد. اما از آن هنگام که نیروهای امنیتی آتش روی معترضان گشودند، عده بیشتری به خیابان‌ها ریختند. این عوامل زمینه را برای تشدید منازعه قومی و مذهبی و چندپاره شدن تنش‌ها میان گروه‌های قومی و مذهبی کرد، شیعه، سنی، علوی، مسیحی، آشوری، ترکمان و دیگر اقلیت‌ها فراهم نمود. تشدید خشونت‌ها این کشور را به درون یک جنگ داخلی فروبرد که گروه‌های نظامی قومی و قبیله‌ای با برداشتن سلاح حکومت را از کنترل شهرهایشان دور کردند که این خود بر تشدید خشونت‌ها افزود (Sly, 2011: 12). با دامن زدن به منازعات فرقه‌ای، کشور به اکثریت سنی علیه فرقه علوی اسد تقسیم شد و به مداخله کشورهای منطقه‌ای و جهانی دامن زد. خیزش گروه‌های جهادی مانند دولت اسلامی بعد دیگری از این تنش‌ها است. بر اساس آخرین گزارش‌ها، از هر ۱۰ نفر سوری، ۱ نفر کشته یا دچار آسیب شده است. مرکز سوری برای تحقیقات سیاسی می‌گوید از ابتدای بحران سوریه تاکنون ۴۷۰ هزار نفر کشته‌شده‌اند (PBS, 2016). در آماری دیگر از مارس ۲۰۱۱ تاکنون،بیش از یک‌چهارم میلیون نفر از جمعیت سوریه کشته و بیش از یک‌میلیون نفر نیز زخمی شده‌اند (UNOCHA, 2016).

ب) عوامل اقتصادی

۱ـ توسعه اقتصادی نامتوازن

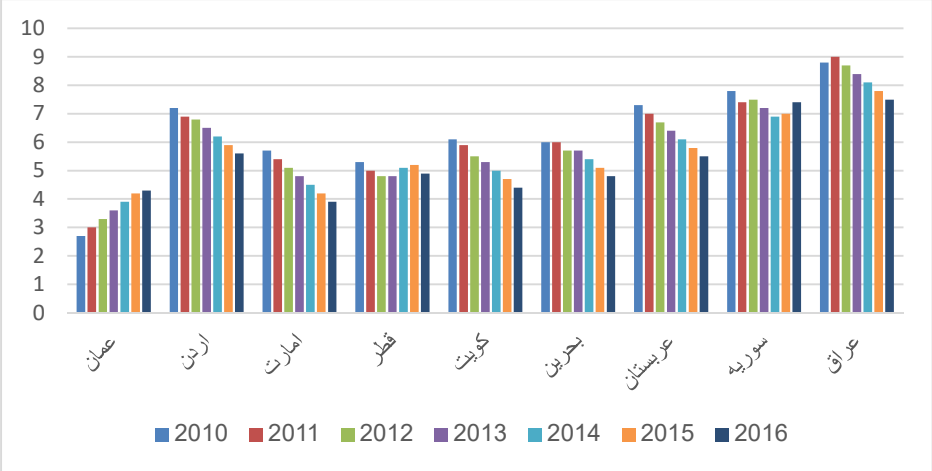
ارائه تصویر روشنی از وضعیت اقتصادی سوریه، در شاخص توسعه اقتصادی نامتوازن، نیازمند یک رویکرد مقایسه‌ای است تا بتواند درکی بهتر از این مؤلفه را نشان دهد. در همین راستا، از شاخص دولت‌های شکننده[۳]در بنیاد صلح، بخش توسعه اقتصادی نامتوازن به شکل مقایسه‌ای میان کشورها استفاده می‌کنیم. امتیازدهی به هر پارامتر در شاخص دولت‌های شکننده بر اساس ۰ تا ۱۰ است، بدین معنا که هر چه کشوری در وضعیت توسعه اقتصادی نامتوازن به صفر نزدیک‌تر باشد، نشان از توسعه اقتصادی متوازن داشته و یک اقتصاد پویا در داخل با بهره‌مندی تمام گروه‌ها و جناح‌ها و مناطق و نیز عدم اختلاف شدید درآمدی میان دهک‌های بالا و پایین را نشان می‌دهد. در مقابل هرچه امتیاز کشوری در این شاخص به ۱۰ نزدیک‌تر باشد، آن کشور از وضعیت توسعه اقتصادی نامتوازن شدید رنج می‌برد، اختلاف شدیدی میان درآمد دهک‌های بالا و پایین وجود دارد، تبعیض شدیدی میان خدمات شهری و روستایی و نیز دسترسی به خدمات مترقی در مناطق مختلف وجود دارد. برای این شاخص تلاش می‌شود تا با الهام از بنیاد صلح و شاخص‌های شکنندگی، ۹ کشور غرب آسیایی را که سوریه هم یکی از آن‌ها است در سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۶، در قالب یک نمودار موردبررسی

[3] . Fragile States Index

[Downloaded from georesearch.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.29252/georesearch.33.1.51]

قرار دهیم (FFP, 2010- 2016: 23). این کشور در میان این فهرست ۹ کشوری در غرب آسیا، درگیر بحران ژئوپلیتیکی ماندگاری است که در کنار سایر کشورهای منطقه، درک روشنی از وضعیت اقتصادی آن می‌دهد.



نمودار ۱ـ مقایسه توسعه اقتصادی نامتوازن سوریه و ۸ کشور غرب آسیا از ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۶

منبع:(زرین نرگس، ۱۳۹۴)

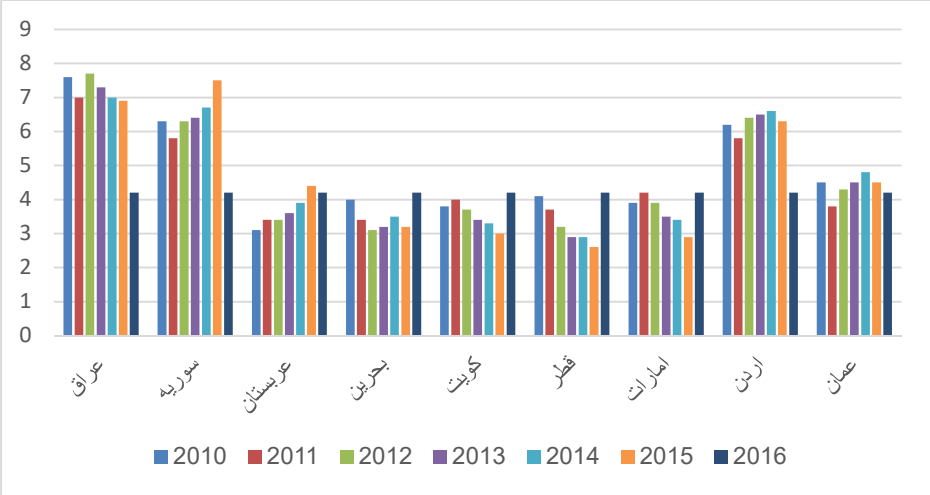
بر اساس نمودار، کشور سوریه از امتیاز ۰ تا ۱۰ که ۰ به معنای ثبات و ۱۰ به معنای شکنندگی بالا و وضعیت قرمز است جزو کشورهای بسیار شکننده غرب آسیا در این شاخص است. امتیاز سوریه در سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۶ شامل: ۲۰۱۱ (۷/۸)، ۲۰۱۲ (۷/۵)، ۲۰۱۳ (۷/۲)، ۲۰۱۴ (۶/۹) و ۲۰۱۵ (۷) و ۲۰۱۶ (۷/۴) می‌باشد که باید توجه داشت به‌واسطه بحران داخلی در سوریه اقتصاد این کشور در حال فروپاشی است.

افول اقتصادی شدید

افول اقتصادی شدید به معنای ناتوانی دولت در برآوردن نیازهای آن دسته از شهروندان است که ناتوان از برآوردن نیازهای خود می‌باشند. هم‌چون بخش پیشین، از شاخص دولت‌های شکننده در بنیاد صلح، بخش افول اقتصادی را به شکل مقایسه‌ای میان کشورها استفاده می‌کنیم. امتیازدهی به هر پارامتر در شاخص دولت‌های شکننده بر اساس ۰ تا ۱۰ است، بدین معنا که هرچه کشوری در وضعیت افول اقتصادی به صفر نزدیک‌تر باشد، نشان از عدم افول اقتصادی داشته و یک اقتصاد توانمند است که در تأمین نیازهای داخلی و رفع فقر و بیکاری و کاهش تورم در داخل موفق است، اما مادامی‌که دولتی به ۱۰ نزدیک باشد، به معنای بیکاری شدید، عدم توانایی قدرت خرید، کمبودهای اقتصادی، قرض دولت، درآمد سرانه ناچیز و رشد تولید ناخالص داخلی آن است (FFP, 2010 – 2016: 23). حال بر اساس نمودار زیر به بررسی وضعیت مقایسه‌ای افول اقتصادی سوریه در طی سال‌های ۲۰۱۰ الی ۲۰۱۶ در مقایسه با ۸ کشور دیگر غرب آسیا خواهیم پرداخت.

[Downloaded from georesearch.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.29252/geores.33.1.51]



نمودار ۲ـ افول اقتصادی سوریه در مقایسه با ۸ کشور غرب آسیا (۲۰۱۰ – ۲۰۱۶)

منبع: (زرین نرگس، ۱۳۹۴)

چنان‌که در نمودار بالا شاهدیم،کشور سوریه از امتیاز ۰ تا ۱۰ که ۰ به معنای ثبات و ۱۰ به معنای شکنندگی بالا و وضعیت قرمز است جزو کشورهای بسیار شکننده غرب آسیا در این شاخص است که اردن تنها کشور نزدیک به آن‌هاست. در مورد سوریه شاهدیم با تشدید بحران در این کشور، وضعیت اقتصادی آن هرساله به سمت وخیم‌تر شدن نیل می کند.

پ) عوامل سیاسی – نظامی

۱ـفساد فراگیر در کشور و نظام سیاسی حاکم

برای درک وضعیت فساد در سوریه، به آمارهای و شاخص بندی‌های سالانه سازمان شفافیت بین‌المللی ارجاع می‌شود. درک این شاخص در وضعیت مقایسه‌ای میان ۱۷۵ الی ۱۸۰ کشور، چشم‌انداز روشنی از وضعیت سوریه را ارائه خواهد نمود.



نمودار ۳ـ رتبه شفافیت بین‌المللی سوریه از ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۶

http://www.tradingeconomics.com/iraq/corruption-rank

[Downloaded from georesearch.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.29252/geores.33.1.51]

با عنایت به نمودار بالا سوریه با کسب جایگاه ۱۵۴ در میان ۱۷۵ کشور موردبررسی در سال ۲۰۱۵، از فاسدترین کشورهای جهان به‌حساب می‌آید که محاسبه آن توسط نهاد شفافیت بین‌المللی انجام‌شده است. شاخص فساد سوریه با میانگین ۱۲۲/۴۶ از ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۵، در بالاترین حالت سطح ۱۶۸ را در سال ۲۰۱۳، یعنی سال اوج جنگ در سوریه کسب نموده و پایین‌ترین رده این کشور نیز به سال ۲۰۰۳ یعنی ۶۶ بوده است (TE, 2006 - 2016).

خدمات عمومی ضعیف

در اثر بحران سوریه، مردم این کشور در دسترسی به منابع خدماتی و بهداشتی با مشکل مواجه شده‌اند. بر اساس آمارهای دفتر ملل متحد برای هماهنگی امور بشردوستانه از ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۶، شاهدیم که حدود۱۱/۵ میلیون نفر از مردم سوریه، نیازمند مراقبت‌های بهداشتی هستند، ۱۳/۵ میلیون نفر نیازمند حمایت بشردوستانه و ۱۲/۱ میلیون نفر نیازمند آب و تأسیسات بهداشتی، حال آن‌که، ۵/۷ میلیون کودک نیازمند حمایت‌های آموزشی بوده و در حدود ۲/۷ میلیون نفر از آن‌ها نیز از تحصیل بازمانده‌اند. حدود ۲/۴۸ میلیون انسان در ناامنی غذایی به سر می‌برند و بااین‌حال، بیش از ۱/۵ میلیون به سرپناه و لوازم موردنیاز برای زندگی نیاز دارند. دسترسی‌های بشردوستانه به نیازهای انسانی در سوریه درنتیجه بحران این کشور مغفول مانده است، از مهم‌ترین بحران‌های دامن‌گیر این کشور می‌توان به موانع اداری و بوروکراتیک در مسیر کمک‌های بشردوستانه، خشونت در امتداد مسیرهای دسترسی و ایمنی عمومی و نگرانی‌های امنیتی در نقض قوانین بین‌المللی و حقوق بشردوستانه بین‌المللی اشاره نمود (UNOCHA, 2016).

ناکارآمدی نیروهای نظامی و انتظامی

ارتش سوریه یکی از مهم‌ترین ارکان این کشور است و دارای سابقه تاریخی در تحولات این کشور می‌باشد. این ارتش در اصل ریشه در نیروهای محلی و قبیله‌ای دارد که پس از پایان قیمومیت فرانسه و کسب استقلال سوریه، در درون ارتش رسمی این کشور ادغام شد (Pollack, 2004:5). در سال ۲۰۱۱، با شروع بحران داخلی سوریه و گسترش اعتراضات ضد دولتی در این کشور، شاهد شکاف و فروپاشی بخش‌هایی از ارتش رسمی این کشور هستیم. در این سال، حدود ۱۰ هزار نفر از نیروهای ارتش، پست‌های خود را رها کرده و بیشترشان ارتش آزاد سوریه را برای مبارزه با دولت قانونی بشار اسد تشکیل دادند. در همین سال ارتش آزاد، تعداد نیروهای ارتش دولت را ۲۰۰ هزار نفر تخمین زد. در سال ۲۰۱۲، برخی از ارتشیان به‌واسطه عدم تمایل به مقابله با معترضان، پست‌های خود را ترک کردند که تخمین زده شد در این سال نیز ۶۰ هزار نفر از نیروهای ارتش کم شده باشد (Emre, Abu-Nasr, 2012).

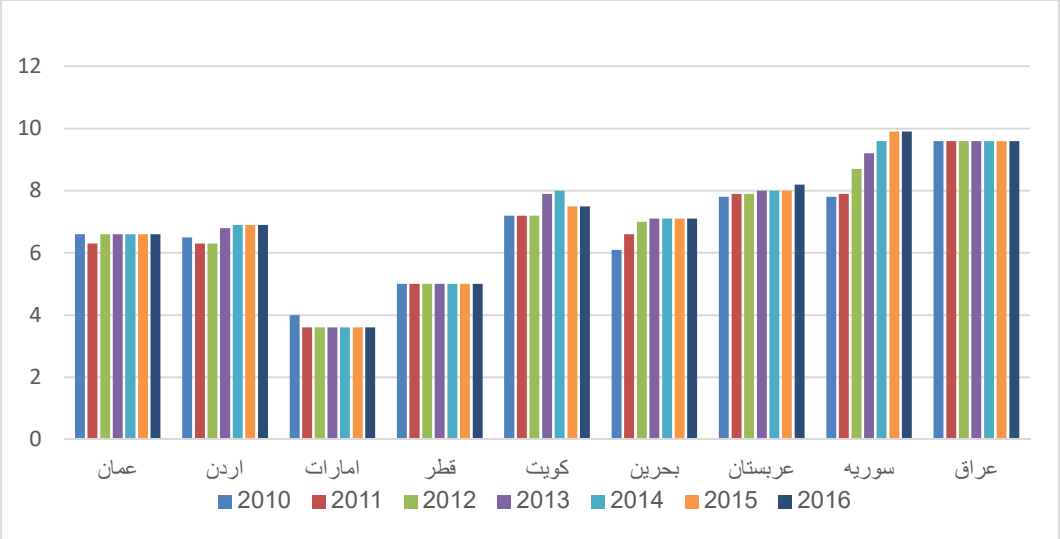
فقدان تشکیلات نخبگی ملی

یکی از شاخص‌های دولت‌های شکننده در بنیاد صلح، نخبگان جناحی شده[7] فقدان تشکل‌های نخبگی ملی است. یکی از راه‌های سنجش وضعیت نخبگان در سوریه و عدم شکل‌گیری تشکل‌های نخبگی ملی مبتنی بر پایبندی به هویت ملی، استفاده از این شاخص است (FFP, 2010- 2016 :23). نمودار ۴ مقایسه‌ای از ۹ کشور غرب آسیا که سوریه نیز یکی از آن‌هاست، را نشان می دهد.

[7] . Factionalized Elites [4]

[Downloaded from georesearch.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.29252/geores.33.1.51]



نمودار ۴ـ بررسی تطبیقی وضعیت نخبگان جناحی شده سوریه با ۸ کشور غرب آسیا

منبع: (زرین نرگس، ۱۳۹۴)

بر اساس نمودار ۴ کشورهای عراق، سوریه و عربستان بدترین وضعیت را از منظر این شاخص در غرب آسیا دارا هستند. سوریه از سال‌های شروع جنگ داخلی آن یعنی ۲۰۱۱ به بعد، امتیازهای ۷/۹ به بالا و گاهی ۹ و بالاتر را دریافت کرده است. چنان‌که گفته شد، امتیاز نزدیک به ۱۰ به معنای شکنندگی شدید دولت در شاخص موردنظر است.

عوامل مجال بخش تأثیرگذار بر شکل‌گیری و ماندگاری بحران ژئوپولیتیکی سوریه

الف) دولت‌های منطقه‌ای و شکل‌گیری و ماندگاری بحران ژئوپولیتیکی سوریه

۱ـ جمهوری اسلامی ایران: ایران و سوریه از همان ابتدای انقلاب اسلامی ایران تا امروز از روابط گرمی برخوردار بوده‌اند و سوریه به‌عنوان کلیدی‌ترین متحد و شریک منطقه‌ای ایران به‌حساب می‌آید. در ۲۵ جولای ۲۰۱۱، ایران، عراق و سوریه یک توافق‌نامه درزمینه گاز طبیعی به ارزش ۱۰ میلیارد دلار به امضا رساندند (Fulton, 2011: 3). اما شروع اعتراضات و بحران داخلی سوریه زمینه را برای دگرگونی در روابط دو کشور فراهم نمود. روابط دو کشور وارد مرحله‌ای شد که در قالب تلاش ایران برای حفظ بشار اسد و مقابله با نیروهای مخالف وی قابل صورت‌بندی است. ایران در سال‌های اخیر که سوریه درگیر بحران جنگ داخلی است تجهیزات نظامی ضروری را برای سوریه تدارک دیده است (Fulton,Wyer, 2012). حمایت ایران از دولت قانونی و مستقر سوریه در طول ۵ سال جنگ داخلی این کشور، از نقش حیاتی برای بقای اسد برخوردار بوده است. ایران حضور خود در سوریه را تقویت نموده است و هدف آن برافزایش نفوذ در پر کردن شکاف‌ها میان دولت اسد و روسیه، به‌عنوان دیگر بازیگر کلیدی در بحران سوریه است تا بتواند ابزاری برای این کشور در گفت‌وگوهای صلح باشد. به نظر می‌رسد جمهوری اسلامی ایران بر این باور است که «هرگونه تلاش غیر دموکراتیک برای حذف اسد منجر به نسل‌کشی علوی‌ها در سوریه و کاهش نفوذ ایران می‌شود که این موضوعی نیست که خواهان آن باشد» (Bozorgmehr, 2016).

[Downloaded from georesearch.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.29252/georesearch.33.1.51]

۲ـ عربستان: به لحاظ تاریخی روابط عربستان سعودی و سوریه، هرگز چندان گرم نبوده است. اما در نیمه دوم ۲۰۰۸ تا سال ۲۰۱۱، روابط عربستان سعودی و سوریه بهبود پیدا کرد، که این امر درنتیجه فرآیند آشتی با دیدار ملک عبدالله از دمشق در سال ۲۰۰۹ امکان‌پذیر شد. این ماه‌عسل روابط به‌واسطه بهار عربی به‌سرعت پایان یافت. در تابستان ۲۰۱۱، با گسترش اعتراضات ضد اسد در سوریه، عربستان به یک‌باره رفتار و موضع خود را تغییر داد و تصمیم گرفت که بر ضد نظام مستقر در سوریه عمل نماید. به‌طورکلی، موضع عربستان در سوریه، در اثر ترکیبی از عوامل شخصی، فرقه‌ای و بالاتر از هم این‌ها، سیاسی شکل گرفته است. نخست؛ عربستان هرگز نسبت به بشار اسد و ایدئولوژی بعثی سکولار آن خوش‌بین نبوده است. دوم؛ تداوم فشار بر مخالفان سیاسی سنی توسط دولت قانونی علویان حاکم، عربستان را برآشفته است. سوم؛ و قابل‌توجه‌تر از همه، عربستان زوال نظام سیاسی کنونی سوریه را فرصتی طلایی برای تضعیف ایران، مهم‌ترین رقیب منطقه‌ای خود، می‌داند (ملهم از Berti, Guzansky, 2012).

۳ـ ترکیه: حکومت ترکیه پس از ناآرامی‌های داخلی در سوریه، زبان به انتقاد از بشار اسد گشود. رجب طیب اردوغان مدعی شد که برای مردم سوریه، پذیرش دیکتاتوری که رهبر کشتار بیش از ۳۵۰ هزار نفر بوده است، غیرممکن است. ترکیه از مهم‌ترین کشورهای حامی مخالفان سوری است و میزبان بیش از ۲ میلیون آواره این کشور است. این کشور سیاست خود را برعدم اعمال نظارت و کنترل عبورومرور جنگ‌جویان شورشی، محموله‌های سلاح و پناهندگان قرار داده و نیز کنترلی بر جهادی‌های خارجیِ مایل به پیوستن به داعش قرار نداده است (طالبی آرانی، زرین نرگس، ۱۳۹۵). ترکیه و عربستان در سال ۲۰۱۶، سوریه را به مداخله نظامی تهدید کردند. انگیزه ترکیه روشن است: آنکارا به‌شدت درباره افزایش قدرت کردها در شمال شرقی سوریه نگران است. این مسئله به‌دوراز مخالفت غریزی ترکیه با هرگونه منطقه خودمختار برای کردها نیست. مخالفت ترکیه از این انگیزه نشات می‌گیرد که سازمان کردهای سوریه، یعنی یگان‌های مدافع خلق، روابط نزدیکی با حزب کارگران کردستان یعنی پ‌ک‌ک در ترکیه دارد، که یک گروه کردی در درون ترکیه است و به لحاظ بین‌المللی به‌عنوان سازمان تروریستی شناسایی‌شده است (Purcell, 2016). امروزه ترکیه به شکل مستقیم از طریق آتش توپخانه، استفاده از جت‌های خود و نیز حمایت از ارتش موسوم به آزاد سوریه، وارد عفرین در کردستان سوریه شده و این شهر را که در اختیار کردها بود، به کنترل خود درآورده و در تلاش است تا موضع کردها را در این کشور تضعیف و در مقابل موضع ترکیه و هم‌پیمانان اسلام‌گرای خود را در سوریه تقویت نماید.

ب) عوامل فرا منطقه‌ای تأثیرگذار بر شکل‌گیری و ماندگاری بحران ژئوپلیتیکی سوریه

۱ـ دولت‌های فرا منطقه‌ای بزرگ و مداخله‌گر در بحران ژئوپلیتیکی سوریه

۱ـ۱ـ آمریکا: از ابتدای بحران سوریه ایالات‌متحده، اسد را به ارتکاب جنایات گسترده متهم نموده است و خواهان کناره‌گیری اوست. در گام نخست ایالات‌متحده در آوریل ۲۰۱۱، تحریم‌هایی را علیه حکومت بشار اسد تحمیل نمود و در جولای نیز هیلاری کلینتون، وزیر امور خارجه وقت، اعلام کرد که بشار اسد مشروعیت خود را ازدست‌داده است (Wilson, 2011: 11). این کشور به‌تدریج مراودات اقتصادی خود را با سوریه قطع نمود و روابط رسمی دو کشور به پایین‌ترین سطح رسید. با تشدید بحران در سوریه، حمایت‌های نظامی ایالات‌متحده از مخالفان سوری با اختصاص سلاح‌هایی به ارزش ۱۵ میلیون دلار وارد مرحله جدیدی شد (Schmitt, 2012). در سال ۲۰۱۳، ایالات‌متحده و انگلیس طرح آموزش نیروهای به‌اصطلاح سکولار و میانه‌روِ سوری را در اردن به راه انداختند، برنامه ایالات‌متحده برای آموزش ۵ هزار معارض سوری برای جنگ با داعش در عرصه زمینی نیز چندان موفق نبود (Julian, Nick,

[Downloaded from georesearch.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.29252/geores.33.1.51]

2013). پس‌ازاین تحولات آمریکا با مذاکرات توافقی بر سرپایان جنگ و ایجاد یک دولت انتقالی موافق نمود. اما این کشور از ابتدای سپتامبر ۲۰۱۴، حملات هوایی را علیه داعش و دیگر گروه‌های جهادی در سوریه را به‌عنوان بخشی از ائتلاف بین‌المللی علیه گروه‌های جهادی انجام داده است (طالبی آرانی، زرین نرگس، ۱۳۹۵). با شروع مداخله نظامی روسیه در سوریه در سال ۲۰۱۵، باراک اوباما با حمایت از نیروهای داخلی سوریه، گروه‌های کردی را که شامل ۲۵ هزار جنگ‌جو بودند و اعراب مخالف نظام سیاسی سوریه را که ۵ هزار نفر بودند، در قالب "نیروهای سوریه دموکراتیک" تقویت نمود. برنامه آموزش و تجهیز مخالفان اسد در سوریه توسط "سیا"ی آمریکا در حال تداوم است (Starr et al, 2015).

روسیه: سه دلیل می‌توان برای حمایت روسیه از بشار اسد، از همان ابتدای شروع بحران این کشور برشمرد: نخست؛ مسکو از همان ابتدا بر این باور بود که واشنگتن و متحدان اروپایی آن نسبت به آنچه در سوریه می‌گذرد، دچار بدفهمی شده‌اند. مسکو نگران است که سقوط بشار اسد زمینه را برای خیزش یک نظام سیاسی رادیکالیست اسلامی سنی که نه‌تنها ضد غرب است، بلکه ضد روسی نیز خواهد بود، فراهم نماید. مسکو برای تأیید دیدگاه خود، سه کشور افغانستان، عراق و لیبی را که با رهبری آمریکا حکومت آن‌ها ساقط شد، مثال می‌زند. دوم؛ مسکو نمی‌تواند به درکی از منافع آمریکا نسبت به تغییر رژیم در سوریه برسد. سوم؛ مسکو بر این باور است که انگیزه برانداختن دولت قانونی اسد، در اصل از عربستان سعودی و قطر سرچشمه می‌گیرد؛چراکه دیدگاه روسیه نسبت به حمایت عربستان سعودی از اسلام‌گرایان رادیکال در چچن و قفقاز و دیگر مناطق، مسبوق به سابقه است (Katz, 2012:5).

با این اوصاف، مداخله نظامی روسیه در بحران سوریه، یک‌لایه پیچیده دیگر را بر این منازعه چند سطحی افزود. این مداخله محاسبات بسیاری از بازیگران داخلی و منطقه‌ای را تغییر داد و انگیزه بیشتری را برای رفتن به سمت یک فرایند سیاسی به آن‌ها داد (Abboud, 2015). روسیه یکی از مهم‌ترین حامیان بین‌المللی اسد و از عوامل اصلی بقای او است که به معنای حفظ منافع روسیه در سوریه نیز هست. این کشور به مقابله با قطع‌نامه‌های پیشنهادی در شورای امنیت علیه اسد پرداخته و هم‌چنان در حال ارسال سلاح برای اسد و حملات هوایی علیه مخالفان دولت قانونی وی است (طالبی آرانی، زرین نرگس، ۱۳۹۵).

۲ـ عوامل امت محور تأثیرگذار بر شکل‌گیری و ماندگاری بحران ژئوپلیتیکی سوریه

۲ـ۱ـ عوامل سلبی تأثیرگذار بر شکل‌گیری و ماندگاری بحران ژئوپلیتیکی سوریه

از آغاز اعتراضات سوریه در سال ۲۰۱۱، که از شهر درعا آغاز شد، شاهد شکل‌گیری نیروهای شبه‌نظامی مختلفی در این کشور بوده‌ایم، که گاهی اوقات تعداد آن‌ها تا ۱۰۰۰ گروه تخمین زده می‌شود. برآورد می‌شود که حدود ۳۰۰ هزار جنگ‌جوی ضد اسد در سوریه حضور دارند که شامل نیروهای چندملیتی می‌شوند، این گروه‌ها در یک جبهه واحد مبارزه نمی‌کنند و اتحاد در میان آن‌ها بسیار شکننده و متغیر است. در کنار گروه‌های اسلام‌گرای افراطی، اپوزیسیونی متشکل از نیروهای میانه‌رو، سکولار و گروه‌های کردی نیز حضور دارند. ۷۲ جناح از این نیروها در سال ۲۰۱۴، در جبهه ضد اسد تحت حمایت آمریکا و عربستان قرار گرفتند. این شورا، اتحادی میان اعضای ارتش آزاد سوریه است. این نیرو مشتمل از ۵۰ هزار نفر است که بیشتر آن‌ها تجربه نظامی‌گری در ارتش اسد را داشته‌اند (Ezrow, 2015).

النصره، در آگوست ۲۰۱۱ در عراق، زمانی که رهبر داعش، ابوبکر البغدادی یک شاخه سوری از القاعده را در آگوست ۲۰۱۱ ایجاد نمود، آغاز به فعالیت کرد. نیروهای النصره، خصوصاً گروه‌های مهاجم آن، بسیار موفق و آموزش‌دیده هستند. تا زمانی که

[Downloaded from georesearch.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.29252/geores.33.1.51]

به‌عنوان یک نیروی ارتش آزاد سوریه فعالیت می‌کرد، از حمایت غرب برخوردار بود، تا این‌که در دسامبر ۲۰۱۲ مشخص شد که دارای روابط نزدیک با القاعده است (Ezrow, 2015). این نیرو در سال ۲۰۱۶، به جبهه فتح الشام تغییر نام داد و روابط خود را به شکلی مصلحتی با القاعده قطع کرد تا برای ایجاد دولت اسلامی در سوریه مبارزه کند (The Guardian, 2016). این نیرو در حال حاضر قدرت چشم‌گیری در سوریه دارد و در مبارزه با مخالفان سکولار، اسد و داعش، بسیار موفق عمل می‌کند.

مخوف‌ترین گروه سلبی در سوریه، دولت اسلامی یا همان داعش است. داعش گروه تندرو تروریستی و چندملیتی است(Katzman, 2014: 3)،که از سال ۲۰۱۳ به یک عنوان جهانی تبدیل‌شده که عراق، سوریه، منطقه و حتی تمام جهان را به خود مشغول کرده است. داعش به‌عنوان خونین‌ترین ماحصلِ جریان سلفیت جهادی، نتیجه واقعی شکست دولت و وضعیت بحرانی، قبیله گرایی، بسته بودن افق‌های راه‌حل سیاسی و عمیق‌ترشدن بحران‌ها بوده است. درواقع، داعش پدیده‌ای سیاسی، نظامی، مذهبی، ایدئولوژیک و اجتماعی محسوب می‌شود. مجموعه‌ای از ویژگی‌های متضاد فکری، سیاسی و اجتماعی در این گروه، سازمان‌یافته است. بعد از ۲۰۱۴/۶/۱۰ و سقوط موصل و بعدها، اشغال ۳۵ درصد از خاک عراق توسط این سازمان تروریستی، وضعیتی ویژه به وجود آمد (زرین نرگس، ۱۳۹۴: ۱۵۹). در طی چند ماه، دولت اسلامی مناطقی گسترده از غرب سوریه و شرق عراق را به کنترل خود درآورد،که جمعیتی بالغبر ۱۰ میلیون نفر را در سال ۲۰۱۴ شامل می‌شود (طالبی آرانی، زرین نرگس، ۱۳۹۵). جمهوری اسلامی ایران در مبارزه با این نیرو، نقش کلیدی را در تضعیف مواضع داعش داشته است و به نیروهای سوری و عراقی در جنگ با داعش، کمک‌های فراوانی نموده است. این نیرو در حال حاضر جغرافیای بسیار محدودی را در سوریه تحت کنترل داشته و زمینه برای نابودی سرزمینی آن در حال تدارک است، اما ایده داعش و تجدید ظهور آن به شیوه‌ای دیگر به این راحتی نابودشانی نیست.

عوامل ایجابی تأثیرگذار بر شکل‌گیری و ماندگاری بحران ژئوپلیتیکی سوریه

با تشدید بحران سوریه، از همان ابتدا زمینه برای شکل‌گیری نیروهای نظامی و شبه‌نظامی فراهم شد که به‌منظور حمایت از دولت اسد تشکیل شدند. مهم‌ترین این نیروها از قبیل شبه‌نظامیان "شبیحه[۷۵]هستند. این نیروها شامل چند هزار نیروی وفادار به اسد یا اعضای فرقه‌ای علوی هستند که دربرگیرنده‌ی بسیاری از خانواده‌های ارتشی، بعثی‌های معتقد، اجتماعات مذهبی اقلیت، برخی قبایل سنی عرب و دیگر نیروهای منتفع از وابستگی به اسد است (Lund, 2015:3). نظامیان حزب‌الله لبنان از مهم‌ترین حامیان غیر سوری اسد بوده و نقش مهمی در تجدید قدرت و اقتدار اسد در سوریه دارند (Lund, 2015: 3).

نیروهای دفاع ملی؛ با تغییر نشان، بازسازی، و ادغام کمیته‌های محلی مردمی و دیگر گروه‌های نظامی حامی اسد از سال ۲۰۱۲ ایجادشده است. بسیاری از گزارش‌ها حاکی از آن است که این نیروها توسط ایران ایجاد و آموزش داده می‌شوند که شامل؛ علوی‌ها و گروه‌های مسیحی در منطقه حمص است. گردان‌های بعث؛ تنها نیروی شبه‌نظامی منفک از نیروهای دفاع ملی است که به نظر می‌رسد دارای سازمانی واقعی در سطح ملی است. این نیروی بعثی به‌عنوان یک شاخه نظامی حزب حاکم سوریه سازمان‌دهی شد. بریگاد بیت‌المقدس؛ یکی از اصلی‌ترین نیروهای نظامی حامی حکومت در منطقه حلب در کنار گردان‌های بعث است. بریگاد بیت‌المقدس از طریق سازمان‌دهی مجدد نیروهای پشتیبان فلسطینی از کمپ پناهندگان نی رب[۷۶]ر شمال غربی سوریه تشکیل شد. آن‌ها به نیروهای پیش‌رو در حلب بدل شده‌اند. مقاومت سوریه: در شمال لاذقیه، یک ترک تبعیدی معروف به علی کیالی، یک نیروی شبه‌نظامی کوچک

75 SHABIHA
76 Neirab

[Downloaded from georesearch.ir on 2026-11-19]
[DOI: 10.29252/geores.33.1.51]

به نام مقاومت سوریه را سازمان‌دهی نمود، که یک مبارزه رسانه‌ای فعال را به راه انداخته است. حزب ملی‌گرای اجتماعی سوریه؛[۷۷]در منطقه حمص و دیگر جاها، نیرویی کوچک است که در لبنان و سوریه فعال است، و باهدف حمایت از دولت اسد، خود را در مناطق مسیحی نشین سازماندهی نموده است (Lund, 2015:5). این نیروها در تلاش‌اند تا اسد و نیروهای ارتش را تقویت نمایند و زمینه را برای بقای نظام سیاسی سوریه و تضعیف مخالفان سوری و رادیکال‌های اسلامی فراهم آورند به‌گونه‌ای که بتوانند مواضع خود را در بخش‌های مختلف سوریه، با حمایت حملات هوایی ارتش این کشور و روسیه تحکیم بخشند.

نتیجه‌گیری

در جمع‌بندی، می‌توان چنین استدلال کرد که منطقه غرب آسیا و به‌ویژه سوریه بر اساس مدل تبیینی موردبحث در این نوشتار، مستعدترین نواحی جهان در زمینه وقوع و ماندگاری بحران‌های ژئوپولیتیکی به شمار می‌آید، چراکه هیچ منطقه و دولتی در جهان تا این اندازه از حیث دولت سازی با چالش‌های قوام‌بخش مواجه نبوده است و تا این اندازه آماج مداخله‌های فرا منطقه‌ای قرار نگرفته است. از سوی دیگر، عملاً و واقعاً هیچ‌گونه تلاش ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی برای رفع یا حداقل مهار بحران‌های ژئوپولیتیکی در این منطقه و به‌ویژه در سوریه انجام نگرفته است. ازاین‌رو به نظر می‌رسد بحران‌های ژئوپولیتیکی در غرب آسیا نه‌تنها ماندگار خواهند بود بلکه به علت انباشتگی چالش‌های آن، چه‌بسا ممکن است به بیرون منطقه نیز تسری یابند. در این راستا، پیش‌بینی می‌شود که گسترش افقی بحران‌های ژئوپولیتیکی غرب آسیا به بحران‌های اجتماعی از قبیل بحران آوارگان محدود نخواهد ماند. تدابیر پیشگیرانه برای جلوگیری از وقوع این سناریو همانا مهندسی معکوس در زمینه عادی‌سازی نظام دولت در این منطقه بر پایه زدودن چالش‌های قوام‌بخش و مجال بخش از آن خواهد بود.

منابع و مآخذ

- زرین نرگس، یحیی (۱۳۹۴)، بررسی چرایی ناکامیابی دولت در عراق نوین و ارائه راه‌کارها، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی تهران.
- طالبی آرانی، روح‌الله (۱۳۹۳)، درس گفتارهای فرهنگ، قومیت و ملیت، جمع‌آوری و تنظیم یحیی زرین نرگس، دانشگاه شهید بهشتی تهران.
- قوام، عبدالعلی (۱۳۹۰)، جهانی‌شدن و جهان سوم، تهران، نشر سمت.
- ونت، الکساندر (۱۳۹۲)، نظریه اجتماعی سیاست بین‌الملل، مترجم حمیرا مشیر زاده، تهران، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- یزدان فام، محمود (۱۳۹۲)، دولت‌های شکننده و امنیت انسانی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- هالیدی، فرد، بری بوزان، بری و هینه بوش، ریموند (۱۳۹۱)، خاورمیانه نو: نظریه و عمل، ترجمه عسگر قهرمانپور، تهران: انتشارات امیرکبیر
- Abboud, S. (2015), Analysis is Iran Really Pulling Out of Syria? Retrieved from: http://www.aljazeera.com/news/2015/12/analysis-iran-pulling-syria-151214055704354.html
- Berti, B., Guzansky, Y. (2012), The Syrian Crisis and the Saudi-Iranian Rivalry the Foreign Policy Research Institute Retrieved from http://www.fpri.org/article/2012/10/the-syrian-crisis-and-the-saudi-iranian-rivalry/
- Bozorgmehr, N. (2016), Iran Deploys Army to Bolster Support for Syrian president the Financial Times. Retrieved from https://www.ft.com/content/1e8910d4-0194-11e6-99cb-83242733f755
- Emre, P., Abu-Nasr, D. (15 March 2012), Syrian Armed Forces Desertion Said to Surge to 60,000, Bloomberg, Retrieved 7 January 2014.
- Ezrow, N. (2015), Explainer who are Syria'santi-Assad forces? Retrieved from: http://theconversation.com/explainer-who-are-syrias-anti-assad-forces-48527
- FFP (2010- 2016), Retrieved from: www.fundforpeace.org.

7The Syrian Social Nationalist Party

[Downloaded from georesearch.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.29252/geores.33.1.51]

- Fulton, W., (2011), Syria-Iran Foreign Relations. Iran Tracker. Retrieved from: http://www.irantracker.org/foreign-relations/syria-iran-foreign-relations
- Fulton, W., Wyer, S. (2012), Iranian Strategy in Syria. Institute for study of war Retrieved from: http://www.understandingwar.org/report/iranian-strategy-syria
- Halliday, F. (2005), The Middle East in International Relations Power, Politics and Ideology New York. Published in the United States of America by Cambridge University Pub.
- Hinnebusch, R. (2003), The international Politics of the Middle East Manchester University Pub.
- http://www.pbs.org/wgbh/frontline/article/a-staggering-new-death-toll-for-syrias-war-470000/
- http://www.tradingeconomics.com/iraq/corruption-rank.
- http://www.unocha.org/syrian-arab-republic/syria-country-profile/about-crisis.
- Katz, M.N. (2012), Russia and the Arab Spring Middle East Institute Retrieved from: http://www.mei.edu/content/russia-and-arab-spring
- Katzman, K., Blanchard, C. M., Humud, C. E., Margesson, R., Tiersky, A., Weed, M. C. (2014), The'Islamic State'Crisis and US Policy Congressional Research Service (Library of Congress). (In Kurdish)
- Lund, A., (2015), Who Are the Pro-Assad Militias? The Carnegie Endowment for International Peace. Retrieved from http://carnegieendowment.org/syriaincrisis/?fa=59215.
- Mercy corps (2016), Quick facts What you Need to know About the Syria Crisis Mercy Corps Global Humanitarian Aid Agency, Retrieved from: https://www.mercycorps.org/articles/iraq-jordan-lebanon-syria-turkey/quick-facts-what-you-need-know-about-syria-crisis
- Pollack, M. K. (2004), Arabs at War Military Effectiveness, 1948-1991 (Studies in War, Society, and the Military). Bison Books.
- Purcell, J. (2016), Will Turkey and Saudi Arabia intervene in Syria? Retrieved from: http://globalriskinsights.com/2016/03/will-turkey-and-saudi-arabia-intervene-in-syria/
- Schmitt, E. (2012), C.I.A, Said to Aid in Steering Arms to Syrian Opposition, the New York Times.
- Sly, L. (2011), Sectarian Violence kills Dozens in Syria Washington Post Retrieved from: https://www.washingtonpost.com/world/middle_east/syrian-tanks-troops-fire-on-protest-strongholds-in homs/2011/11/03/gIQAgVBbiM_story.html.
- Starr, B., Labott, E., Acosta, J. (2015). Obama authorizes resupply of Syrian opposition. Retrieved from: http://edition.cnn.com/2015/10/05/politics/russia-ground-campaign-syria-isis/
- Wilson, S.(2011),How the U.S. Message on Assad Shifted Washington Post Retrieved from: https://www.washingtonpost.com/blogs/checkpoint washington/post/how-the-us-message-on-assad-shifted/2011/08/18/gIQAfPZxNJ_blog.html.

[Downloaded from georesearch.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.29252/geores.33.1.51]